

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدين بوم وبر زنده يك تن مباد
همه سر به سر تن به کشتني دهيم
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

Satire

afgazad@gmail.com

طنز

نعمت الله مختار زاده
شهر إسن - المان

نافِ تدبیر

چلیا ! واژه ماگر شده عریان ، تره چی
خامه شوق منت گشته به جولان ، تره چی
نظم و نثری که نوشتم ، به این بیخداان
نشر گردیده به امریکه و المان ، تره چی
شوخ ما شاخ اگر شد ز نگاهی صنمی
می خلد در جگر گیر و مسلمان ، تره چی
سنگ و چنگ و از چیلک و از غولک ما
شکوه و نقد شده ، سنگ و پلخمان ، تره چی
ای توارد گرک قافیه وزن و ریف
تابه کی سرفت و ، گویی به نگهبان ، تره چی
وای از دیده درائی که شود ، چشم چران
بانگاه خپکش ، میگه به قرآن ، تره چی
مرده شو ، قبر کن و ، ختنه گر و هم دلال
شده هرکاره و رقاشه میدان ، تره چی
ای که معروف به گلزاری و ، مشهور به ورد
چُف و کُف داری به نوبالغ نسوان ، تره چی

ناف، تدیر، ترا، می نبریدند چنین
گر بریدند، کج و نیمه پایان، تره چی
یک کمی شرم نما و نچران چشم هوس
دست دادن به زن و دختر، افغان، تره چی
یادم آمد که به گلبه، ز برهان میگفت
سیف سیاف، که ای نوکر، شیطان، تره چی
تامجدد سخن از خالص، بی پیر شنید
پیر، مجلس ز غضب گفت بگیلان، تره چی
شاخ، تبعیض، سر، طالب، پشمینه شکست
کور، یک چشم! جنایتگر، دوران، تره چی
ننگ، تاریخ شده، قشقه به پیشانی، تو
امر، تخریب، به تدبیس، خدایان، تره چی
چپن، بی قصب و سور، کلاه، دور فگن
بز، جمهور، به پیراهن و تنان، تره چی
ای شده مهره شطرنج به دست، دگران
کشت و مات آمده با ریشک، لرزان، تره چی
موش، آهسته برو خوانده ترا شاند به تخت
شپش و کیک و خسک، مست و غزلخوان، تره چی
هر یکی منصبی بگرفته به مقصود رسید
(بودنه) نیز به شوراست، دلنگان، تره چی
قاتل و جانی و هم خائن خونخوار، چسان
شده (**قاتونی**) و از صدر نشینان، تره چی
سیرت از بیعت و بعثت نتوان کرد تمیز
منطق و عقل و خرد، حجت و برهان، تره چی
سخن از گرمی و از نور و هم از وصل بگو
به سیاهی و به سردی شب، هجران، تره چی
دادفر نام، عجیبی و سپنتا عجبست
زانکه رنگین شده زنگین و پریشان، تره چی
شاید از معجز، نامست، که این معجزه اش

کرزی و بوش از و بی سر و سامان ، تره چی
اسم بیگانه نهادند ، سر منطقه ها
سرک و کوچه و پسکوچه گریزان ، تره چی
نام گاندی و ضیاء الحق و از لین و بوش
بنهاده سر چاراه و خیابان ، تره چی
ارث فرهنگی و تاریخی مارفت به باد
عجباشیر ، اسیر در گرگان ، تره چی
مگرم ملت بی نام و نشانیم و گدا ؟
کاسه صبر شکن ، بر سر سلطان ، تره چی
این فسادیست که مخدوم رهین کرده پا
به چنین عقل کم و منطق پسمان ، تره چی
تابه سورا سخنی گفت ، ملالی جویا
محشری گشت به پا ، بین وکیلان ، تره چی
نازم آن بانوی افغان ، که ز یک هیبت او
شدی رو باه ، همه گرگان و پلنگان ، تره چی
کرگس و زاغ و زغن ، باشه و کلمرغ زمان
مهر تکفیر به پیشانی خوبان ، تره چی
«نعمتا» دیگ سیاست نپزد دوغ کسی
گر پزد خام دهن پاره و سوزان ، تره چی